

## الگوی میانجیگری از عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران و اسلام

یاسمن سعیدی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

### چکیده:

میانجیگری با تکیه بر ایدئولوژی نوین عدالت ترمیمی سعی دارد بسترهای مشارکتی فعال برای بازپروری مجرم و التیام تشفی خاطر قربانی را در جلساتی که سازماندهی آن توسط شخص ثالث کاردان صورت می‌گیرد، خارج از محیط قضایی حل و فصل نماید. در کنار سابقه دیرینه میانجیگری ویژگی‌های بارزی چون محرمانگی، غیر تشریفاتی، سادگی و کم‌هزینه بودن رسیدگی منجر به توجه بیشتر عموم به این روش گردیده است، اما این ویژگی‌ها علاوه بر کاستن از تراکم کار و اطاله دادرسی که حاکم بر نظام قضایی کشور شده منجر به پیشگیری و کاهش تخلفات در بلدمدت و پرورش سیستم قضایی مطلوب نیز می‌گردد. این پژوهش جهت برطرف کردن نیازهای جامعه با روش توصیفی، تحلیلی بدنبال تحدید قانونی میانجیگری با رویکردی بر عدالت ترمیمی و سیاست جنایی اسلام می‌باشد. یافته‌ها حاکی از این است، مقنن در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری توسل به میانجیگری را فقط در جرایم تعزیری با درجات ۶ و ۷ و ۸ قرار داده و شامل جرایم حدی، قصاص و دیات نمی‌شود. درحالی که مستنبط از مبانی فقهی متوجه می‌شویم هیچ‌گونه محدودیتی برای ارجاع جرایم حق الناس وجود ندارد حتی در جرایم حق الله که حاکم دارای اختیار عفو بوده و یا با اقرار بزهکار جرم اثبات شده، ارجاع به میانجیگری جایز است. بنابراین قانونگذار می‌بایست بازنگری‌هایی جدی درجهت وسعت قلمرو ارجاع دعوای به میانجیگری انجام دهد تا شاهد شکوفایی بیش از پیش کشور در دستیابی به اهداف سند چشم انداز ۱۴۰۴ باشیم.

**واژگان اصلی:** الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، میانجیگری، اصلاح ذات البین، عدالت ترمیمی، سازش

۱. دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه و بیان مسئله

اختلاف همواره یکی از پیامدهای زندگی جمعی بشر در طول تاریخ بوده که از وقوع آن نمی‌توان جلوگیری کرد، در همین راستا برای حل و فصل و یا پیشگیری احتمالی از وقوع آن راه‌حل‌هایی پیش بینی شده که در هر دوره تغییر و تکامل یافته، اما آنچه توجه حقوق‌دانان را به خود معطوف کرده تسریع روند برون رفت به بهترین شیوه است. از سویی باور به مسائلی از قبیل میزان ثواب و عقاب اخروی، حشر، توبه و انابه در نظام اسلامی ایجاب می‌کند که الگوی جدیدی برای تفکر در امور کیفری، قلمرو عفو مجرمین و میانجیگری به نفع مجرم صورت گیرد. قانون‌گذار با الهام از آموزه‌های عدالت ترمیمی و تأکید نظام اسلامی، برای اولین بار امکان ارجاع اختلاف به میانجیگری توسط مقام قضایی را در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به منظور حل معضلات دستگاه قضایی پیش بینی نمود. بی تردید عواملی مانند قانون‌گذاری، کمبود قاضی، مشکلات ساختاری و تشکیلاتی هریک به نحوی می‌توانند موجب ناکارآمدی دستگاه قضا و طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده‌ها باشد. امری که به نوبه‌ی خود حتی در کیفیت آرای اصداری از محاکم نیز بسیار تأثیرگذار است. اما میانجیگری به عنوان روشی پرکاربرد در حل و فصل غیرقضایی اختلاف کمک شایان توجهی به این سیستم خواهد کرد، در این فرایند شخص ثالث به نام میانجی‌گر به عنوان تسریع‌کننده روند در رسیدن طرفین به توافق با آنان مشارکت می‌کند. البته در این روش تصمیم میانجی برای طرفین الزام‌آور نیست بلکه فقط امکان مذاکره را برای آنان فراهم و با ارائه پیشنهادات و راهکارهایی آن‌ها را در رسیدن به توافقی دوجانبه همراهی می‌کند. ایرادی که می‌توان به قانون‌گذاری ارجاع امر به میانجیگری در ایران گرفت، محدود بودن دامنه آن است که فقط جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابلیت تعلیق دارد را می‌توان به میانجیگری فرستاد، درحالی که با توجه به مبانی فقهی و حقوقی میانجیگری تمام حدود و تعزیرات حتی قصاص و دیات را می‌توان به میانجیگری ارجاع داد، شاید تحدید این چنینی میانجیگری بوسیله مقنن اجرای آزمایشی این روش بوده هرچند توجیه منطقی به نظر نمی‌رسد، اما با شناخت مفهوم و جایگاه فقهی و حقوقی میانجیگری می‌توان پاسخی برای این اشکال یافت.

## ۱- اهداف و سؤالات پژوهش

ضرورت بومی‌سازی آموزه‌های عدالت ترمیمی در کشورمان ایجاب می‌کند تحقیقات تطبیقی در جهت روشن‌سازی میزان انطباق این آموزه‌ها با فقه اسلامی و شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه صورت پذیرد. زیرا به سامان رسیدن این پژوهش با توجه به لزوم ابتدای کلیه مقررات و قوانین

موضوعه کشور بر پایه اصول و احکام اسلامی دارای نتایج و آثار ملموس و عینی نیز خواهد بود که از اهداف این مطالعه می‌باشد. این مقاله تلاش می‌نماید تا به سؤالات ذیل پاسخ دهد.

- عدالت ترمیمی در سیاست جنایی اسلام چه جایگاهی دارد؟
- بسترهای فقهی و حقوقی پیش بینی شده برای ارجاع دعوی به میانجیگری در نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟

## ۲- پیشینه پژوهش

پیشتر آثاری از پژوهشگران پیرامون نظریه عدالت ترمیمی و میانجیگری انجام گرفته است، از جمله آن‌ها می‌توان به «عدالت ترمیمی؛ الگوی جدید تفکر در امور کیفری» ترجمه حسین غلامی که از مقدمه کتاب «*Restorative Justice for Juveniles, conferencing, mediation and circles*» و یا مقالات دیگری تحت عنوان «نقد عدالت کیفری ترمیمی در گفتمان جرم‌شناسی غربی از منظر سیاست جنایی قرآن کریم» به نگارش عادل ساریخانی و مهدی خاقانی اصفهانی یا «اصلاح ذات البین و نظریه عدالت ترمیمی» از علی حسین نجفی ابرندآبادی و همکاران اشاره کرد. اما محور پژوهش حاضر تحلیل نظری پارادایم عدالت ترمیمی و تطبیق آموزه‌های آن با بسترهای فقهی و قانونی میانجیگری در جهت بومی‌سازی عدالت ترمیمی بر پایه فقه جزایی غنی شیعی می‌باشد.

## ۳- ملاحظات نظری و مفهومی پژوهش

### ۱-۳. عدالت ترمیمی

بزه به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با جامعه برای تحقق عدالت همواره مطرح بوده، به طوری که تاریخ آموزه‌های عدالت کیفری نشان می‌دهد که اندیشمندان و صاحب نظران، روش‌ها و مسیرهای گوناگونی را مورد آزمایش قرار داده‌اند همین دیدگاه‌های مختلف در جهت پاسخگویی به پدیده مجرمانه منجر به پیدایش رویکردهای مختلفی نسبت به جرم، قربانی، مجرم و سایر کنشگران عدالت جزایی شده است. این سیر تحول با تلاش‌های بشری در جهت پاسخگویی به بزه از «عدالت سزا دهنده» که ناظر بر جرم بود شروع شد و به «عدالت بازپرورانه» که شخصیت مجرم را مدنظر قرار می‌داد رسید، و هم‌اکنون آموزه‌های «عدالت ترمیمی» را پیش‌روی خود می‌دارد. در واقع عدالت ترمیمی پارادایم نوظهوری است که تلاش می‌کند تا بین منافع بزه‌دیده و جامعه و نیاز به بازپروری اجتماعی بزه‌کار، توازن و تعادل ایجاد نماید و کوشش می‌کند تا بهبود وضعیت بزه‌دیده را در حد امکان، عملی

سازد و در این مسیر تمام اشخاصی را که به نحوی در حادثه مجرمانه نفعی دارند (مانند بزه دیده، بزه کار، وابستگان آنها و نمایندگان جامعه) جهت مشارکت فعال و سازنده برای ایجاد چنین توازنی گردهم آورد تا بسترهای جرم‌زدایی در جامعه فراهم شود (Wright, 2002: 32).

### ۱-۳. مدل‌های عدالت ترمیمی

در درون جنبش طرفداران عدالت ترمیمی، بطور عمده دو گرایش متمایز از هم وجود دارد. نخستین رویکرد؛ معتقد به جایگزین شدن تدریجی عدالت ترمیمی به جای نظام عدالت کیفری سنتی بوده و با عنوان مدل «ناب خواه» شهرت یافته است. حال آنکه رویکرد دوم؛ که مدل «بیشینه خواه» است، عدالت ترمیمی را در کنار و یا در قالب عدالت کیفری سنتی همراه با اصلاح و القای اصول ترمیمی برای حل و فصل مسائل ناشی از ارتکاب جرم می‌پذیرد و توصیه می‌کند که به شرح این دو گونه می‌پردازیم.

#### - گونه ناب خواه

از نقطه نظر طرفداران گرایش ناب خواه، عدالت ترمیمی فرایندی است که از رهگذر آن طرف‌های درگیر سعی می‌کنند تا اختلافات و آثار ناشی از ارتکاب جرم را به اتفاق یکدیگر حل و فصل کنند. به موجب این مدل نیازها و منافع طرف‌های جرم با همکاری و گفتگوی داوطلبانه آنها فراهم می‌شود. بدین ترتیب نقش اصلی در حل و فصل مسائل مربوط با جرم باید به وسیله بزه دیده، مجرم و مشارکت جامعه محلی که این دو به نوعی به آن وابسته‌اند ایفاء شود.

هدف نخستین طرفداران این مدل، محدود کردن حوزه عدالت ترمیمی به دادن پاسخ‌های مناسب به پیش آمدها و حوادث ناشی از جرم است نه به پیامدهای گسترده‌تر قضایی و سیاسی آن، در واقع هدف رویکرد ناب خواه این است که برنامه‌های عدالت ترمیمی باید به موازات نظام عدالت کیفری سنتی، با متنوع کردن موارد این نظام توسعه و گسترش یابد و رفته رفته جای آن را در پاسخ به پدیده مجرمانه بگیرد.

#### - گونه بیشینه خواه

طرفداران این گرایش مواردی را به عنوان انتقاد بر جریان نخست مطرح می‌کنند. از جمله این موارد مسائل مربوط به جرایم شدید و سنگین است. بیشینه خواهان بر این اعتقادند که با الگوی ترمیمی ناب خواهان بیم آن می‌رود که در درازمدت تنها جرایم سبک و کوچک مشمول برنامه‌های عدالت ترمیمی شوند، زیرا با طرح القای نظام کیفری طرفداران و قائلین بدان در مقابل اندیشه‌های ترمیمی

مقاومت کرده و تنها به ابراز وجود عدالت ترمیمی در حوزه جرایم سبک رضایت دهند. از این رو جرایمی که بزه دیدگان آن‌ها، قاعدتاً بیش از دیگر بزه‌دیدگان نیازمند برنامه‌های ترمیمی هستند، هم‌چنان در صلاحیت انحصاری عدالت کیفری کلاسیک باقی بمانند. از سوی دیگر مدیریت حل و فصل اختلاف‌های کیفری با حل و فصل داوطلبانه آن‌ها به وسیله بزه دیده و مجرم، همه تضمین‌ها را دربر ندارد که راه حل مورد رضایت طرف‌ها واقعاً ترمیمی باشد. وانگهی عدالت ترمیمی بصورت مطلوب ناب خواهان دارای برنامه‌هایی است که به طور عمده بعد جامعه‌ی و محلی دارد و در نهایت شیوه‌های عدالت ترمیمی مبتنی بر ناب خواهی مانند میانجیگری و ... نمی‌توانند به همه ی وضعیت‌های ناشی از ارتکاب جرم پاسخ دهند. استفاده از برنامه‌های ترمیمی در قالب فرایند با ویژگی داوطلبانه اقدام و توانایی طرف‌ها در دستیابی به یک توافق، محدود می‌شود (پرادل، ۱۳۸۱: ۸۲). به اعتقاد پیشینه خواهان، وجود عدالت ترمیمی در کنار عدالت کیفری رسمی اتفاقاً ضرورت دارد چرا که گاهی اوقات وضعیت‌هایی پیش می‌آید که بزه‌دیدگان، مجرمان و اعضای جامعه محلی نمی‌توانند در مورد راه حل‌های ترمیمی مربوطه به توافق برسند و اینجاست که مجال ایفاء نقش مقامات دولتی به عنوان مجریان عدالت کیفری سنتی پیدا می‌شود تا با ارائه و پیشنهاد راه‌حل‌های بیشتر سازنده تا تنبیهی، واکنش نشان دهد. این موضوع در جرایم بسیار شدید که آثار آن تمامی جامعه و افکار عمومی آن را جریحه دار ساخته نیز صادق است. ضمن آنکه محتوای ضمانت‌های کیفری سنتی خود نیز می‌تواند ترمیم کننده باشد. پیشینه خواهان معتقدند که بایستی نگران امنیت جامعه نیز بود و از این رهگذر مثلاً با حبس مجرم، دغدغه‌های این چنینی را نیز پاسخ داد و در عین حال از داخل همین محیط‌های بسته اقدام‌های ترمیمی با مشارکت داوطلبانه مجرم نسبت به بزه دیده را راه‌اندازی کرد. بدین ترتیب بهتر است عدالت ترمیمی با توجه به نتیجه آن یعنی تلاش برای تحقق ترمیم آثار زیان بار تعریف شود (همان: ۲۸) زیرا هدف مدل ترمیمی تلاش برای تضمین جبران انواع خسارت ناشی از جرم است. از دیدگاه پیشینه خواهان اعمال ضمانت اجرایی کیفری، اعمال درد و رنج، به بزه‌کار نیست بلکه مناسبتی است برای جبران و ترمیم خسارات وارده بر طرفین اختلاف و احیای علقه‌های گروهی و اجتماعی. این دیدگاه سعی دارد بیشتر محتوا، جهت‌گیری و آیین رسیدگی در مدل کلاسیک را سازشی، ترمیمی کند و مشارکت اشخاص درگیر را در آن را فعال نماید (فروزش، ۱۳۸۵: ۲۶).

### ۳-۱-۲. چالش‌های قانونی عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی با توجه به رویکرد نوظهور و در عین حال اصلاحی خود نسبت به متأثرین یک

پدیده‌ی میجرمانه؛ تا قدری حد و مرزها و ارزش‌های جامعه را کم رنگ می‌کند و به نوعی ما را با چالش‌هایی روبرو می‌سازد، ازجمله‌ی آن‌ها:

### - مدنی شدن حقوق کیفری و برهم زدن موازنه عدالت کیفری به نفع بزه‌دیده

منتقدین بر این باورند که عدالت ترمیمی منتهی به استقرار حقوق کیفری مدنی شده است. طبق این ایراد دعاوی مدنی بر روابط فردی تمرکز دارد و دارای طبع فردمدارانه است، اما جرایم کیفری دارای چنین طبعی نیست بلکه تمرکز بر حیثیت اجتماعی دارد. این ویژگی که در عدالت ترمیمی نیز به چشم می‌خورد با ویژگی حاکم بر دعاوی کیفری که بر استیفای حقوق جامعه تکیه دارند سازگار نمی‌باشد. پس عدالت ترمیمی با تمرکز افراطی بر رعایت حقوق بزه‌دیده موازنه عدالت را میان کنشگران جرم برهم می‌زند و استقرار نظم عمومی و تأمین امنیت اجتماعی جامعه را در درجه دوم قرار می‌دهد که می‌توان از مهم‌ترین چالش‌های عدالت ترمیمی از آن یاد کرد (عباسی، ۱۳۸۳: ۷۵).

### - کاهش اقتدار حاکمیت

برخی معتقدند عدالت ترمیمی به دنبال این است که اختیار و اقتدار دولت را در تعقیب و محاکمه مجرمین محدود کند و آن را به بخش خصوصی بسپارد. این ادعا و اندیشه عدالت ترمیمی مغایر با اصل حاکمیت ملی دولت هاست. جرم‌انگاری و اجرای آن و تعقیب و محاکمه‌ی متجاوزین به این محدوده‌های ممنوعه قانونی نماد حاکمیت ملی دولت‌ها و اقتدار داخلی آن‌هاست. بطور کلی بحث حقوق بشر که در حوزه حقوق عمومی قرار دارد مخاطبش دولت می‌باشد، بنابراین از آنجا که حقوق کیفری و به ویژه آیین دادرسی کیفری بحث کاملاً مرتبط با حقوق بشر دارد پس دولت‌ها باید زمینه اعمال و اجرای آن را فراهم کنند، چنانچه عدالت کیفری از نظارت دولت خارج شود چنین چیزی عملی نیست بدین سان حقوق جامعه لوٹ می‌شود و بحث انتقام کیفری خصوصی هم چون گذشته ایجاد می‌شود (چراغی نوید، ۱۳۹۵: ۵۴).

### - دور شدن از فلسفه مجازات

زمانی که حکمی توسط مراجع قضایی صادر می‌شود در واقع تکلیف دعوا روشن می‌شود و طرفین جرم خود را ملزم به تبعیت از آن می‌کنند حتی اگر آن را ناعادلانه بدانند. نظام کیفری فی حد ذاته نماد اقتدار جامعه است و وضع قوانین نقش بازدارنده‌ای در آن دارد، لذا دولت می‌تواند در چارچوب عدالت کیفری حقوق طرفین را رعایت کند زیرا قانون‌گذار کیفری به دنبال یک جامعه آرمانی است پس امیدوار است صرف جرم‌انگاری برای منصرف کردن بزه‌کاران بالقوه کافی باشد. پس اگر عدالت

ترمیمی با ضمانت اجرای غیرقضایی خود یعنی ترمیم خسارت بزه‌دیده و مسئولیت‌پذیری بزه‌کار اجرایی شود منجر به تضعیف کارکرد بازدارندگی عمومی نظام کیفری و کمرنگ کردن مجازات‌ها و به نوعی دور شدن از فلسفه مجازات‌ها می‌شود (چراغی نوید، ۱۳۹۵: ۵۷).

### ۲-۳. میانجیگری

میانجیگری یکی از روش‌های پرسابقه حل و فصل اختلاف می‌باشد که با هدف ترویج روش‌های غیرقضایی و تسهیل اجرای توافقات حاصله در فرآیند میانجیگری صورت می‌گیرد، مطالعات نشان می‌دهد این فرایند حس مسئولیت‌پذیری و بازپروری را در بزه‌کار تقویت می‌کند. در واقع وساطت شخص ثالث میان اصحاب نزاع به منظور حل اختلاف بدون توسل به طرق قضایی نزد شارع مقدس بسیار مورد توجه می‌باشد که تحت عنوان اصلاح ذات‌البین شناخته می‌شود. به این معنا که برای پایان دادن به درگیری و نزاع میان خود باید به بزرگترهای معنوی مراجعه کنید؛ زیرا در فضای خصومت و کدورت اخوت افراد دچار خدشه می‌گردد و هیچ‌کس نباید به خود حق بدهد تا با دیگری درگیر شود. این همه تأکید در خصوص صلح و برقراری آشتی بین اشخاص خصوصاً در امور کیفری در قرآن کریم صرفاً بخاطر این است که سربلندی یک ملت جز در سایه تفاهم و تعاون ممکن نمی‌باشد. میانجیگری در لغت به معنای «وساطت بین دو طرف متخاصم به منظور عفو طرف متجاوز به وسیله قربانی یا زیان‌دیده یا به منظور رفع و ایجاد صلح و سازش بین آن دو نفر» (عمید، ۱۳۸۴: ۶۹) و یا «وساطت نزد حاکم به سود مجرم و گنه‌کار، به منظور عفو و بخشش خطای او یا تخفیف در مجازات وی» آمده است (حسینی، ۱۳۸۷: ۲) در واقع شفاعت‌کننده یا همان شفیع با وسیله قراردادن حرمت و اعتبار خود نزد حاکم یا مشفوع‌الیه، درصدد رهایی یا تخفیف در مجازاتی که در معرض او قرار گرفته می‌باشد (مارتی، ۱۳۸۱: ۳۱). شخصی که با هدف سازش میان طرفین اختلاف عهده‌دار وظیفه میانجیگری می‌شود را میانجی یا میانجی‌گر می‌نامند. میانجی در لغت واسطه و مصلح آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۴۷/۴۶) در اصطلاح، میانجی‌گر شخصی حقیقی یا حقوقی منتخب از سوی طرفین دعوا و یا بصورت رسمی از طرف مقام قضایی دادگاه می‌باشد که به عنوان یک واسطه فقط در جهت‌دهی به حل و فصل اختلافات و تسهیل مذاکرات طرفین فعالیت می‌نماید، او مانند یک قاضی قدرت تحمیل یک راه‌حل به اصحاب را ندارد بلکه سعی می‌کند که حقوق واقعی طرفین را به آنان بشناساند و پیام‌ها را بین آنان منتقل نماید (Brown, 1998: 3).

### ۳-۲-۱. وظایف و اختیارات میانجی گر

از جمله وظایف میانجی پس از ارجاع موضوع از طرف مقام قضایی این است که در اسرع وقت و در محدوده‌ی زمانی سه ماه مطابق ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری، که مقام قضایی برای او تعیین کرده جلسه یا جلسات را تشکیل دهد که در آن زمینه اظهارنظر، مذاکرات و استماع گفتگوهای طرفین فراهم باشد و در نهایت بی طرفی با اختیارات قانونی خود به مدیریت و تسهیل برون رفت از اختلاف و جلوگیری از وقوع درگیری مجدد بپردازد. سپس طی مراحل گفتمان، عاری از هرگونه تحمیل، تهدید و یا اجباری به هریک، در صورت توافق اصحاب گزارشی مبنی بر اظهارات طرفین، فعالیت‌های خود و نتیجه‌ی جلسه بدون هیچ‌گونه ابهام در صورت مجلس تهیه و به امضاء آنان برساند. اما در مواردی که توافق حاصل نشود در صورت ضرورت می‌تواند درخواست تمدید برای سه ماه دیگر و یا ارجاع مجدد پرونده را به مقام رسیدگی کیفری را اطلاع دهد. میانجیگری معمولاً با حضور بزه‌دیده و بزه کار و خود میانجی صورت می‌گیرد اما میانجی این اختیار را دارد در صورت تشخیص از سایر اشخاص متأثر از جرم، وکلای طرفین به همراه موکل و یا بطور مستقل، اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران یا سایر جامعه محلی دعوت کند که با او ملاقات داشته و یا در جلسات حضور به عمل آورند که میانجی گر را برای بهتر نتیجه دادن رسیدگی غیرقضایی در محیطی دوستانه و به دور از تنش همراهی کنند تا اختلاف سریع تر حل و فصل گردد.

### ۳-۲-۲. ویژگی‌های میانجیگری

می‌توان تمایل روز افزون افراد برای استفاده از این روش را به علت وجود مزایایی دانست که در مقابل راهکار قضایی دارد، این ویژگی‌ها می‌توانند در نظام‌های حقوقی مختلف بصورت متنوع موجود باشند. برخی از مهمترین آن‌ها عبارتند:

#### - سرعت رسیدگی و صرفه جویی در زمان

روند رسیدگی در جریان حل اختلاف در فرایند میانجیگری سریع‌تر از رسیدگی‌های قضایی در دادگاه می‌باشد. چرا که؛

اولاً: در میانجیگری از تراکم دعاوی و پرونده‌هایی که در دادگاه وجود دارد خبری نیست.

دوماً: رعایت تشریفات و آیین دادرسی از سوی طرفین و قضات دادگاه‌ها موجب کندی جریان

حل اختلاف می‌شود در صورتی که در این فرآیند تشریفات پیچیده‌ای وجود ندارد.

سوماً: اتلاف زمان در همه‌ی سیستم‌های حقوقی دنیا امری ناشایست به شمار می‌رود. مهلت‌های



قانونی تعیین شده در بسیاری از موارد می‌توان ابزاری برای سوء استفاده و به تأخیر انداختن اجرای عدالت توسط افراد آگاه به چارچوب‌های حقوقی باشد. دستیابی سریع به حل یک مرافعه می‌تواند به عنوان مولفه‌ای برای توسعه اقتصادی در نظر گرفته شود که در استفاده از فرصت‌های اقتصادی و مدیریت جامع تأثیر زیادی دارد. وجود ظرف زمانی مشخص برای رسیدن به نتیجه در اجرای میانجیگری نکته‌ای مثبت است که به دنبال آن، طرفین می‌توانند در یک دیدار فوری با گفت‌وگو سریع و دوستانه به حل و فصل اختلاف خود بپردازند (سیف الهی و جم، ۱۳۸۹: ۶۰).

### - سطح بالای اقتناع فردی و توسعه تفاهم اجتماعی

در فرآیند میانجیگری تصمیم نهایی که اتخاذ می‌گردد اصولاً مورد توافق و تراضی دو طرف می‌باشد و به همین خاطر آنها با تمایل بیشتری سعی در اجرای آن دارند و خود را محکوم به یک جریان مخاصمه نمی‌بینند. حل اختلاف از این طریق مانع گسترش اختلافات مردم می‌گردد و تراکم اختلافات را که به دلیل هزینه‌های بالای دادرسی می‌تواند تضعیف مشروعیت دولت را به بار آورد و تنش‌های نهفته جامعه را هویدا سازد، کاهش می‌دهد. سطح بالای اقتناع در این روش پیروزی دوجانبه را به جای شکست یکی از طرف‌ها به دنبال دارد و در جریان رسیدگی به نیازها بیشتر از نیت اهمیت داده می‌شود (سیف الهی و جم، ۱۳۸۹: ۶۲).

### - حفظ محرمانگی در رسیدگی

برخلاف رسیدگی قضایی که بصورت علنی برگزار می‌شوند و حضور عموم بلا مانع است رسیدگی در این روش بصورت محرمانه و غیر علنی است که این امر می‌تواند از محاسن این روش به شمار آید. حضور تمام افراد جامعه در رسیدگی قضایی مطابق مواد ۳۴ و ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حقی است که برای اشخاص در نظر گرفته شده است و می‌تواند آزادانه با شرکت در جلسات رسیدگی، روند انجام آن و نحوه کار دادرسان را مشاهده نمایند اما فرآیند میانجیگری بصورت خصوصی انجام می‌گیرد حضور افراد تنها با اجازه و رضایت طرفین اختلاف امکان‌پذیر است و امکان افشای اظهارات و اسناد مربوط به رسیدگی نیز وجود ندارد. محرمانه بودن روند رسیدگی در این روش غیرقضایی به عنوان یک امتیاز مهم برای طرفین اختلاف در نظر گرفته شده است زیرا در بسیاری از موارد طرفین علاقه‌ای به آگاهی دیگران نسبت به اختلافات شخصی خود را ندارند (درویشی هویدا، ۱۳۹۳: ۳۱۷).

#### ۴- روش تحقیق

مقاله پیش‌رو با روش تحلیلی، توصیفی به اهمیت الگوی میانجیگری از عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران و اسلام برای پیشرفت اسلامی ایرانی و رفع نیازهای جامعه می‌پردازد

#### ۵- یافته‌های پژوهش

##### ۵-۱. عدالت ترمیمی در سیاست جنایی اسلام

در پاسخ به پرسش اول می‌توان گفت، به تمامی تدابیری که برای مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه صورت می‌گیرد «سیاست جنایی» گفته می‌شود (مارتی، ۱۳۸۱: ۲۴۹). در کشور ما به واسطه دین دار بودن مردم و ایدئولوژیک بودن حاکمیت، قانون اساسی هر گونه قانونگذاری و اعمال حاکمیت را مبتنی بر احکام اسلام دانسته و زمامداران را ملزم به رعایت اصل «عدم تعارض» قوانین و مقررات با احکام شرع می‌داند. بی شک هر پدیده نوظهور و دست آورد جدید و بشری، بایستی در محک با قواعد و مقررات شرعی مهر تعارض و انگ تهاقت نخورد و گرنه قابلیت اجرایی پیدا نخواهد کرد. آنچه در نگاهی گذرا به حقوق جزای اسلام می‌توان فهمید آن است که متأسفانه این بعد بیش از ابعاد دیگر این مکتب مهجور مانده است. علت این مهجوریت نیز به دلایل تاریخی و دوری اسلام از عرصه حاکمیت سیاسی برمی‌گردد. اما با انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ برای ملت ایران، یک بار دیگر فرصت و مجال طرح اندیشه‌های کیفری اسلام در جامعه فراهم گردید.

سیاست جنایی اسلام مخصوصاً مکتب تشیع بر محور سهله و سمحه است، پیامبر اکرم (ص) در حدیثی خطاب به عثمان بن مظعون می‌فرماید: «بُعث بالحنفیه السهله و السمحه» (کلینی، ۱۳۳۷: ۵/۴۹۴) که دلالت بر آسان‌گیری و ترمیم‌گرایی دارد نه ارباب و سزادهی (الآمدی، ۱۴۱۰: ۱۱۸۲/۳). دین اسلام با دارا بودن دیدگاه‌های انسانی و عادلانه در رویارویی با جرم و پدیده مجرمانه و استفاده از ساز و کار اجتهاد پویا در مواجهه با اقتضائات زمانی و مکانی، ظرفیت‌های فراوانی در ارائه و ترسیم اصول و رویه‌های ترمیمی و مقررات جبران خسارتی معطوف به بزه‌دیده دارد. این اصول و رویه‌ها در طیف وسیعی از جرایم حقوق کیفری اسلام انعکاس یافته و از مجازات‌های تعزیری که همه‌ی جوانب و احکام آن از جرم انگاری گرفته تا تعیین مجازات و نحوه برخورد با مجرم و عفو و ... بما یراه الحاکم است، و با این تصور که می‌تواند با هر رویکردی در قبال آن واکنش نشان دهد، شروع شده و به مجازات‌هایی همچون دیه و قاعده لا بیطل و توصیه و سفارش به عفو و گذشت در قتل نیز می‌رسد، که ماهیت کاملاً ترمیمی داشته و به توبه و نقش آن در سقوط مجازات‌های حدی و عفو حاکم در این

گونه جرایم منتهی می‌شود.

### ۱-۵. رویکرد عدالت ترمیمی در قاعده لایبطل و ضمان بیت المال

قاعده فقهی «لایبطل دم امری مسلم» که به صورت «لایذهب دم امری مسلم هدر» هم آمده، از نمونه‌های بارز رویکرد حمایت از بزه‌دیده در سیاست جنایی اسلام است. این قاعده جبران خسارت بزه‌دیده را به دلیل سلب حیات و اقدام علیه تمامیت جسمانی او ضروری می‌کند به این معنا که قاعده مزبور بر تأمین ضرر و زیان بزه‌دیده و پرداخت دیه در بالاترین مصداق بزه یعنی قتل تأکید کرده است و از حکم فوق به تفتیح مناط در می‌یابیم که سیاست جنایی اسلام در سایر جرایم نیز قاعداً باید مبتنی بر همین حمایت باشد. درباره این قاعده به روایات و کتب فقهی به گونه‌ای استناد شده که بیم عدم پرداخت دیه و جبران نشدن خسارت بزه‌دیده و اولیای دم او می‌رود که در این‌گونه موارد، شارع مقدس از بزه‌دیده حمایت کرده و به استناد قاعده یاد شده در برخی از موارد دولت اسلامی را موظف دانسته که از بیت المال یا دارایی‌های عمومی خسارت بزه‌دیده قتل را پرداخت کند. در مواردی دیگر نیز خود قاتل را به پرداخت ملزم کرده و در بعضی موارد با سیاست جنایی تقیینی به حمایت از بزه‌دیده پرداخته است البته نه بصورت افراطی همچون آموزه‌های عدالت ترمیمی بلکه با رعایت عدالت و انصاف میان تمامی کنشگران پدیده مجرمانه.

### ۲-۵. رویکرد عدالت ترمیمی در قاعده اضطرار

از عمده مسائلی که در باب مسئولیت کیفری همواره مورد توجه و تأکید ملل مختلف در همه زمان‌ها بوده این است که هرکس به حکم ضرورت عمداً مرتکب عمل مجرمانه‌ای شود قابل مجازات و سرزنش نیست. در این مطلب که اضطرار از عوامل مواجهه جرم بوده یا عوامل رافع مسئولیت کیفری، میان حقوقدانان اختلاف نظر است (علی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۱۷) و همین اختلاف از دیرباز در بین فقها نیز وجود داشته است (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۳۹). فارغ از این اختلاف نظرها، مسئله اساسی‌تر، حقوقی است که به واسطه مضطر شدن یک یا چند نفر از دیگران زایل می‌گردد. بررسی نحوه‌ی مواجهه قانونگذار در مکاتب مختلف با این مسئله می‌تواند نشانه‌ای از وجود رویکردهای بزه‌دیده‌مدارانه در میان آن‌ها باشد. پس می‌توان گفت تمسک به سازو کارهای ترمیمی از جمله برگزاری جلسات گفتگو میان بزه‌دیده و مضطر یک ضرورت است زیرا اکثر مردم با احکام مربوط به اضطرار و اکراه و ... آشنایی کافی و تخصصی ندارند و از این رو برایشان غیرقابل قبول است که برای مثال شخصی برای حفظ مال خود به مایملک آنان تعرض و تجاوز نماید و سپس بدون هیچ‌گونه مجازاتی رها شود. با برگزاری

جلسات گفتگو میان این دو و تشریح حالات و موقعیت‌هایی که شخص مضطر در آن گرفتار آمده که برای نجات جان خود مجبور به انجام چه کارهایی شده که با منافع و اموال و شئون دیگر اشخاص معارض بوده، هم وجدان بزه دیده و متضرر در تائید و همراهی وی تحریک می‌شود و هم دستگاه قضایی احکام صادره خود را با رویکرد روانی توجیه می‌کند.

## ۲-۵. قلمرو فقهی و حقوقی میانجیگری کیفری در پرتو عدالت ترمیمی ایران

در پاسخ به پرسش دوم نیز، برای تبیین مهمترین قوانین مربوط به میانجیگری در حقوق ایران باید اظهار داشت که در مواد ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ۸ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ پیش بینی‌هایی درجهت توسل به این امر صورت گرفته بود، اما در پی آن به طور اختصاصی آیین نامه میانجیگری مصوب هیئت وزیران در سال ۱۳۹۵ تدوین شد و جرایم تعزیری درجه ۶، ۷، ۸ را قابل ارجاع به میانجیگری دانست. اما اقتراح اینجاست که آیا قلمرو میانجیگری منحصر در همین موارد خفیف است یا در انواع دعاوی (عمومی و خصوصی، قابل گذشت و غیرقابل گذشت در جرایم چهارگانه حد، تعزیر، قصاص و دیات) امکان پذیر است، که باید با توجه به مبانی فقهی بطور جداگانه مورد مذاقه قرار گیرد.

## ۲-۱. میانجیگری کیفری در حدود شرعی

حدود یکی از مهمترین مباحث قوانین کیفری اسلام است که با هدف بازدارندگی و تربیت مجرم اجرا می‌شود، در واقع حد به معنای مجازاتی است که در شرع نوع، میزان و کیفیت انجام آن مشخص گردیده و امکان تغییر در اعمال این مجازات‌ها ممکن نیست مگر از طریق توبه و عفو. در کتاب و سنت بر شفاعت و ایجاد صلح و سازش میان یکدیگر بسیار تأکید شده، اما در برخی از روایات، منع از شفاعت در جرایم حدی به چشم می‌خورد برای مثال؛ از امام باقر (ع) نقل شده که ام سلمه همسر رسول خدا (ص) کنیزی داشت که مالی را از مردم دزدیده بود، او را نزد پیامبر (ص) آوردند، ام سلمه در این باره با پیامبر صحبت کرد، ولی رسول خدا (ص) به وی فرمود: این حدی از حدود خداوند است و نباید تضييع شود، سپس پیامبر (ص) به قطع دست کنیز فرمان داد (حرعاملی، ۱۳۸۶: ۳۲۲/۱۸). روایت دیگری وجود دارد اسامه بن زید از شخصی که بر او حد واجب شده نزد پیامبر (ص) شفاعت کرد، رسول خدا به او فرمود: «لا تشفع فی حد اذا بلغ السلطان» یعنی به حدی که به حاکم رسیده، شفاعت نکنید. امام صادق نیز در روایتی از امام علی (ع) نقل می‌کند: «هیچ کس در جریان امری که حدی آن به امام رسیده باشد، شفاعت نکند، زیرا چنین حدی در اختیار امام نیست اما در موردی که حد هنوز جریان

امر آن به امام نرسیده اگر مجرم توبه کرده باشد، شفاعت کن و نیز در غیر حد در صورتی برای کسی شفاعت کنید که از کرده خویش پشیمان شده باشد و در هر حال کسی نباید در حق انسان مسلمان و غیر مسلمان جز به اذن وی شفاعت کند» (حرعاملی، ۱۳۸۶: ۱۸/۳۳۳). حرمت شفاعت از حدود به این دلیل است که امام مالک حد نیست و نمی‌تواند ببخشد، اما در مواردی که امام اختیار عفو دارد، شفاعت پذیرفتنی است (نجفی، ۱۳۳۳: ۴۱/۳۹۶). پس میانجیگری به طور مطلق در جرایم حق الناسی، حتی اگر جنبه عمومی داشته باشد و حق الله قبل از طرح دعوی و اقامه بینه اگر مجرم توبه کرده باشد و یا حد با اقرار خودش ثابت شده باشد، امام اختیار عفو داشته و شفیعی می‌تواند نزد امام شفاعت کند.

### ۲-۲-۲. میانجیگری کیفری در تعزیرات

تعزیر از ریشه «عزر» به معنای منع و بازداشتن آمده است، در واقع تعزیر تأدیبی است که خداوند آن را جعل نموده به منظور اینکه تعزیرشونده و دیگر مکلفین را از ارتکاب عمل ممنوع بازدارد (حلبی، ۱۴۰۳: ۲۶). در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعزیر؛ به مجازاتی غیر از حدود، قصاص و دیات گفته می‌شود که میزان و کیفیت اجرای آن نه در شرع بلکه در قانون تعیین شده است یعنی مقنن در تعیین میزان مجازات مبسوط الید است. جرایم تعزیری قابل تقسیم به جرایم قابل گذشت و غیر قابل گذشت، حق الناس و حق الله (فروزش، ۱۳۹۳: ۹۹) هستند. مسلماً جرایم قابل گذشت و حق الناس، قابل ارجاع به میانجیگری می‌باشد چرا که جنبه خصوصی بودنشان غالب می‌باشد. بی شک دامنه شفاعت در جرایم حق الناس از شفاعت در جرایم حق اللهی گسترده تر است، هر چند در فقه جزایی، ابهاماتی درباره اینکه کدام جرایم دقیقاً حق الله و کدام حق الناس است، کم نیست. برای جرایم تعزیری قاعده‌ای فقهی وجود دارد: «التعزیر لکل عمل حرام» دو گروه با نظرات مختلف درباره تمسک به این قاعده به بحث پرداخته‌اند، به این صورت که عده‌ای مجازات‌های تعزیری را با تمام اعمال حرام و ترک واجبات شرعی تسری داده‌اند و معتقدند؛ تعیین مجازات برای موارد غیر واجبات و محرّماتی که ارتکاب یافتنشان، ایجاد اختلال در نظم جامعه می‌کند با مشکل مواجه است. گروه دیگر با نظر به عدم اطلاق قاعده ذکر شده، معتقدند که تعزیر به نظر امام بوده و می‌تواند هم برای ترک واجبات و انجام محرّمات و هم برای اخلال در نظامات اجتماعی مقرر گردد (فروزش، ۱۳۹۳: ۹۷). نظر گروه دوم به دلیل توجهشان به نظر امام، قابل پذیرش تر به نظر می‌رسد. در واقع در تعزیرات همانگونه که اصل جرم انگاری و کیفر، تابع مصلحت است. پذیرش یا عدم پذیرش شفاعت و میانجیگری در آن نیز تابع مصلحت می‌باشد. بسیاری از متون فقهی حتی از بیان صریح حکم شفاعت در تعزیر سکوت کرده‌اند

این درحالی است که تبیین ابعاد فقهی شفاعت می تواند با شرایطی زمینه ساز گسترش باب میانجیگری و کاستن از شمار پرونده‌های قضایی یا حل سریع تر از اختلاف باشد (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۱).

### ۳-۲-۵. میانجیگری کیفری در قصاص

قصاص از ریشه «قص یقص» به معنای پیگیری و ردیابی اثر چیزی می باشد. قصاص؛ گرفتن حق و کیفر دادن مجرم به مانند جنایتی که بر او کرده است می باشد (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۹). قانون مجازات اسلامی تعریفی از قصاص ارائه نداده است اما از منظر دیدگاه عدالت ترمیمی ورثه مقتول در قتل نفس عمدی، همان بزه دیدگان ثانوی و تبعی هستند تا جایی که قصاص یا عفو مجرم و یا دریافت دیه شرعی به میزان کمتر یا بیشتر از مصالحه بسته به تصمیم آنهاست، و در مواردی که حاکم اسلامی ولی دم قربانی باشد به عنوان بزه دیده ثانویه اختیار قصاص یا عفو مجرم، در جهت جبران خسارت جامعه و استفاده از ظرفیت های عدالت ترمیمی را دارد. در مجموع، امر قصاص بدلیل اینکه جنبه خصوصی جرم بر جنبه عمومی آن غالب می باشد، امکان توسل به فرآیند میانجیگری و ایجاد صلح و سازش میان طرفین درگیر در اختلاف نه تنها جایز است؛ بلکه مستحب می باشد و خداوند در باب قصاص اولین شفیع است، زیرا با وجود تشریح قصاص، به عفو و گذشت و گرفتن دیه به جای قصاص توصیه می فرماید (بقره/۱۷۸) و عفو جانی از قصاص را صدقه‌ای معرفی می کند که مایه پوشش گناهان عفو کننده می شود (مائده/۴۵) درباره سیره و روش پیامبر (ص) هم از فردی نقل شده که هیچ دعوی قصاصی را ندیدم که به پیامبر (ص) ارجاع شود، جز اینکه آن حضرت به عفو و گذشت توصیه نماید (بیهقی، ۱۴۲۴: ۹۷/۸). در عرف حقوقی ایران یکی از مهمترین کاربردهای میانجیگری در جرایم مشمول قصاص، قصاص نفس می باشد (حسینوند، ۱۳۹۴: ۱۶۵). البته در کشور ما علی رغم تصویب قانون قصاص به ندرت قصاص عضو صورت می گیرد و عملاً بیشتر صدمات بدنی عمدی در قالب پرداخت دیه و ایجاد سازش خاتمه می یابد.

### ۴-۲-۵. میانجیگری کیفری در دیات

دیه از ریشه «ودی» به معنای رد کردن مال است، در کتب فقهی عنوان دیات، شامل دیه و ارش می باشد، از نظر آنان دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا پایین تر از نفس انسانی آزاد (عضو یا ایراد جرح) واجب می شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۵۱۳) و ارش مالی است که به جای نقصان مالی یا بدنی وارد شده به بزه دیده گرفته می شود و مقدار آن در شرع معین نیست (روحانی، ۱۴۲۰: ۱۸۶). از نظر فقها واژه دیه در سه معنا به کار رفته است: گاه دیه را به همان معنای لغوی خود یعنی مالی که بدل نفس

است به کار برده‌اند، گاه به معنای مقدار مالی که از طرف شارع برای جنایت اعم از نفس و مادون نفس تعیین شده است، دانسته‌اند که در این معنی دیه مقابل ارش است و گاه دیه را به معنایی عام‌تر از معنای قبل به کار برده‌اند؛ به گونه‌ای که ارش را نیز شامل شود (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۴: ۴۲). در بین نظرات مختلف بر سر چیستی ماهیت دیه، می‌توان بیان داشت که دیه دارای ماهیتی ترمیمی است (فروزش، ۱۳۹۳: ۹۱)، چون به دنبال جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده آن هم بیشتر با تکیه بر جنبه مادی جرم می‌باشد. حال جبران خسارات معنوی وارده چه می‌شود؟ می‌توان علاوه بر صدور حکم به جبران خسارات مالی، طرقی دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن را در حکم خود به نفع بزه دیده لحاظ نماید و به پیشروی به سمت اهداف عدالت ترمیمی کمک کند. دیه از مجازات‌های قابل گذشت و خصوصی می‌باشد که اختیار گرفتن یا گذشت از آن در دست مجنی علیه می‌باشد. در واقع میانجیگری در این وادی گسترده و پرواضح است و هیچ‌گونه ممنوعیت فقهی یا قانونی برای توسل به میانجیگری در فصل نزاع در این باره وجود ندارد (عظیمی، ۱۳۹۶: ۶۶).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

عدالت ترمیمی الگویی نوظهور در حوزه جرم‌شناسی غرب است که در نتیجه‌ی ناتوانی سیستم عدالت کیفری در کنترل و اصلاح جرم‌پدیدار شد. سیاست‌های این رویکرد در کشورهای مختلف در حال فراگیر شدن است، اما در ایران نظام عدالت ترمیمی وجود ندارد و سیاست جنایی ما برگرفته از تعالیم اسلام می‌باشد، با کنکاش بر سیاست جنایی غرب آشکار می‌شود که فقه جزایی اسلام هزار و اندی سال پیش از ارائه‌کنندگان تمام آموزه‌های این نظریه وجود داشته و مبتلاء به هیچ‌یک از ایرادات وارد بر گفتمان غربی عدالت ترمیمی نیست. رویکرد قانونگذار در امر قضازدایی و پیمودن راه‌های غیرکیفری در حل و فصل دعاوی آشکار است و گرایش به قضازدایی نه تنها تصور فتور و سستی در سازمان عدالت کیفری را در پی ندارد؛ بلکه تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در بومی‌سازی عدالت ترمیمی بر پایه فقه جزایی غنی شیعی، البته با بهره‌گیری از دستاوردهای تحولات پرشتاب جرم‌شناسی میسر است و تحلیل منابع عدالت ترمیمی کمک شایانی به مدیران سیاست جنایی تقیینی، قضایی و اجرایی ایران می‌کند تا «مدل ایرانی/اسلامی عدالت ترمیمی» در مقیاس خرد و «مدل ایرانی/اسلامی سیاست جنایی» در افق کلان طراحی کنند.

در خصوص ساز و کار میانجیگری که برگرفته از آموزه‌های عدالت ترمیمی و سیاست جنایی

اسلام است، می‌توان گفت که فرآیندی غیرقضایی بوده که شخص ثالث زمینه را برای اظهارنظر و استماع گفتگوهای طرفین فراهم می‌کند و در نهایت بی‌طرفی به تسهیل برون رفت از اختلاف و ایجاد توافقی دو طرفه می‌پردازد. عنصر اصلی فرآیند میانجیگری را حاکمیت اراده طرفین و پای‌درمیانی شخص ثالث کاردان در تقار میان اصحاب نزاع تشکیل می‌دهد. ویژگی‌هایی چون عدم تشریفات، انعطاف پذیری و سرعت در عملکرد دادرسی نقش تعیین کننده‌ای در حل تراکم پرونده‌های ورودی و اطلاع دادرسی موجود در محاکم قضایی دارد، به همین علت میانجیگری با هدف جلب بزه کار در به عهده گرفتن مسئولیت اقدامات خود و درک از صدمه‌ای که به بزه‌دیده وارد کرده به او فرصتی در بازتوانی و باز پذیری می‌دهد تا آسیب‌ها را جبران کند و بزه‌دیده نیز به آلام خود التیام ببخشد. اما آنچه در مورد قلمرو میانجیگری در آیین‌نامه و ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به چشم می‌خورد؛ این است که میانجیگری را محدود در جرایم تعزیری ۶ و ۷ و ۸ که قابلیت تعلیق دارند؛ نموده، در صورتی که با استنباط از اهداف عدالت ترمیمی و آرمان‌های دینی اسلام متوجه می‌شویم هیچ‌گونه محدودیتی برای کیفرهای حکومتی (تعزیری)، کیفرهای خصوصی (قصاص)، کیفرهای الهی (حدود) و جبران خسارت‌ها (دیات) در ارجاع به میانجیگری وجود ندارد. به همین منظور قانون‌گذار می‌بایست بازنگری‌هایی در تشریح چارچوب و قلمرو فرآیند میانجیگری صورت دهد که کارکرد ترمیمی آن در سیستم دادرسی نهادینه شود تا طراحی الگوی بومی پیشرفت کشور محقق شود.



## منابع

قرآن کریم.

الآمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الإسلامی.  
 شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: موسسه معارف اسلامی.  
 بیهقی، احمد بن الحسین (۱۳۲۴). السنن الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه،  
 جلد هشتم.

پاک نهاد، امیر (۱۳۸۸). سیاست جنایی ریسک محور، تهران: انتشارات میزان.  
 پرادل، ژان (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: سمت.  
 جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). عقل در هندسه معرفت دینی، تحقیق: احمد واعظی، قم: موسسه پژوهشی  
 رأی پرداز.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل  
 البیت علیهم السلام.

حسینوند، موسی (۱۳۹۴). میانجیگری کیفری در پرتو آموزه‌های عدالت ترمیمی، تهران: انتشارات مجلد.  
 حسینی، سید محمد (۱۳۸۷). «نقش میانجیگری در فصل دعاوی و پاسخ‌دهی به نقض هنجارها»، مجله  
 دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۵.

حلبی، ابو صلاح تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳ق). الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر  
 المومنین، جلد اول.

درویشی هویدا، یوسف (۱۳۹۳). «مطالعه‌ای بر میانجیگری به عنوان روش دوستانه حل و فصل  
 اختلافات»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق علوم سیاسی، دوره ۱، شماره ۴.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
 روحانی قمی، سید محمد حسین (۱۴۲۰ق). المرتقی الی الفقه الارقی، تهران: موسسه الجلیل للتحقیقات  
 التفافیه (دار الجلی)، جلد دوم.

ساریخانی، عادل و خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۳۹۱). «نقد عدالت کیفری ترمیمی در گفتمان جرم شناسی  
 غربی از منظر سیاست جنایی قرآن کریم»، کاوشی نو در معارف قرآنی، شماره ۱، صص ۵۵-۵۸.  
 سیف الهی، آرمان و جم، فرهاد (۱۳۸۹). روش‌های غیرقضایی حل و فصل اختلافات اداری، تهران:  
 انتشارات خرسندی.

شاکری، طوبی (۱۳۸۵). سیاست جنایی اسلامی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرين، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.  
 طلاّبکی، اکبر (۱۳۹۹). «بررسی و نقد سند گوی پایه‌ی اسلامی ایرانی پیشرفت (به عنوان سند بالادستی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران)»، فصلنامه مطالعات گوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۸، شماره ۲، صص ۳۷۲-۳۹۱.

عزیزخانی، احمد (۱۴۰۰). «واکاوی الگوهای هویتی عرضه شده در پاسخ به مسأله انحطاط در ایران معاصر (با تأکید بر الگوی گفتمان هویتی انقلاب اسلامی)»، فصلنامه علمی مطالعات گوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۹، شماره ۴.

عمید، حسن (۱۳۳۳). فرهنگ فارسی عمید، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.  
 علی‌پور، جواد و پوررشیدی، هاتف (۱۳۹۹). «تحلیل گفتمان سند اولیه گوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، فصلنامه مطالعات گوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۴۰-۱۶۷.

فروزش، روح‌الله (۱۳۹۳). جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران، تهران: انتشارات خرسندی.  
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). فروع کافی، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.  
 مارتی، دلماس (۱۳۸۱). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳). قواعد فقه (بخش جزایی)، تهران: مرکز نشر علوم انسانی، جلد چهارم.  
 مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۵). «مدل فرآیندی طراحی الگو اسلامی ایرانی پیشرفت»، فصلنامه مطالعات گوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۴، شماره ۸، صص ۹-۳۰.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۷). «اصلاح ذات‌البین و نظریه‌های عدالت ترمیمی»، فصلنامه مدرس، دوره ۱۲، شماره ۳.

نجفی، محمد حسن (۱۴۱۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: نشر دار الاحیاء التراث العربی، جلد چهل و یکم.

Brown, A. (1998). Alternative Dispute Resolutions Guide, Technical publication series, Washington.